

Investigate Pakistan's role in ensuring Iran's national security

Abstract

The Islamic Republics of Iran and Pakistan are two neighboring countries that have many commonalities and are, geographically, side by side with a relatively common regional destiny. In this regard, in this article, using a descriptive-analytical method and using the theoretical framework of the Copenhagen School, we seek to answer the question that what role does Pakistan play in ensuring Iran's national security? The hypothesis put forward is that Pakistan plays an important role in supporting Taliban terrorism, developing the port of Gwadar versus the port of Chabahar, supporting NATO and US presence in the region, separatists in Balochistan, Pakistan, and drug trafficking. Iran's national security and in this regard, Iran's support for Kabul during the Kabul-Islamabad dispute has weakened Iran's national security on the part of Pakistan. The findings of this study show that therefore the conflicting interests of the Pakistani government with Iran, facilitate The presence of US and NATO troops in the region has been and the threats posed by drug trafficking and transit and the issue of Afghanistan have been the result of cooperation between the government and the Pakistani community against Iran's national security.

KEYWORDS: Security, Copenhagen School, Terrorism, NATO, Drugs.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.257826.1349>**مداقه و واری نقش پاکستان در تأمین امنیت ملی ایران**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

یاسر ارشاد منش^۱روح الله شهابی^۲شیوا جلال پور^۳بهرام یوسفی^۴**چکیده**

جمهوریهای اسلامی ایران و پاکستان دو کشور همسایه هستند که اشتراکات فراوان داشته و به جبر، در کنار هم و با یک سرنوشت منطقه‌ای نسبتاً مشترک می‌باشند. در این راستا در این مقاله با استفاده از روش تفسیری- کیفی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ در پی پاسخ به این سؤال می‌باشیم که پاکستان چه نقشی در تأمین امنیت ملی ایران دارد؟ فرضیه‌ای که در این راستا ارائه شد عبارت است از اینکه پاکستان با حمایت از تروریسم طالبان، توسعه بندر گوادر در مقابل بندر چابهار، حمایت از حضور ناتو و آمریکا در منطقه، جدایی طلبی‌های بلوچستان پاکستان، ترانزیت و قاچاق مواد مخدر نقش مهمی در تأمین امنیت ملی ایران دارد و در این راستا حمایت ایران از کابل در جریان اختلافات کابل و اسلام‌آباد موجب تضعیف امنیت ملی ایران از سوی پاکستان شده است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که منفعت متضاد کشور پاکستان با جمهوری اسلامی ایران سبب پیدایش حضور نیروهای انتظامی ناتو و آمریکا در منطقه شده است و ارباب موجود از قاچاق و حمل و نقل مواد مخدر و موضوع افغانستان حاصل تعاون و همکاری دولت و جامعه کشور پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

واژگان کلیدی: امنیت، تروریسم، ناتو، مواد مخدر، مکتب کپنهاگ.^۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد بین الملل خرمشهر خلیج فارس، خرمشهر، ایران^۲ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) rohallahshahabi1@gmail.com^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران^۴ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

ایران نخستین کشوری بود که در اوت ۱۹۴۷، استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت و پاکستان نیز نخستین کشور جهان بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران را در فوریه ۱۹۷۹، به رسمیت شناخت. اما علی‌رغم این موضوع، مناسبات دو کشور در طی شش دهه گذشته، فراز و نشیب‌های بسیار فراوانی را پشت سر گذاشته است. وقوع انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۷۹، پایانی بود بر همکاری مستحکم رژیم پادشاهی ایران با پاکستان و آغاز رویش تازه‌ای از مناسبات میان تهران و اسلام آباد بود که زمینه‌های متعددی از همکاری و رقابت را در بر می‌گرفت. در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثابت ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی تروریسم، مذهب، افراطی‌گری، دگرگونی افغانستان، مناسبات پاکستان و هند با تمرکز بر کشمیر و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا با کارکرد دوگانه و چهره ژانوسی خود، همواره حضور داشته‌اند.

نکته‌هایی مانند ایجاد امنیت و ثبات در منطقه پیرامونی، ساختن بستر مناسب اجتماعی و اقتصادی برای مواجهه اصل و ریشه با پدیده‌هایی چون کشت و قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی مذهبی، تروریسم و قومیت‌گرایی می‌تواند نقطه شایسته‌ای برای آغاز و جهت‌گیری رویه‌های همکاری‌جویانه میان پاکستان و ایران در تعامل با دیگر فعالان بین‌المللی و منطقه‌ای باشد. نمی‌توان انکار نمود که امنیت مقوله‌ای تقسیم‌پذیر نیست، لیکن مشارکت‌پذیر است و فقط در این مورد خواهد بود که می‌توان به اصلاح مناسبات دو جانبه پاکستان و ایران امید داشت؛ نکته‌ای که در صورت دستیابی به امنیت، توسعه پایدار و ثبات در زیر سیستم‌های آسیای جنوب غربی کمک فراوانی خواهد نمود.

مقاله‌ی "ایران و تهدیدهای ناشی از بی‌ثباتی در پاکستان و افغانستان" نوشته‌ی محمود واعظی از جمله‌ی این آثار است. در این مقاله نویسنده دو کشور همسایه شرقی ایران، پاکستان و افغانستان را به دلیل وجود ضعف‌های بالقوه و بالفعل امنیتی بر ضد علیه امنیت ملی و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران می‌داند. مقاله‌ی دیگری تحت عنوان "فراز و نشیب روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری" نوشته‌ی ولی کوزه‌گر کالجی در این ارتباط قابل ذکر است.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ که در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، تلاش کرد تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. این مکتب بعد از جنگ سرد، زوایی دیگری از امنیت را که مورد غفلت قرار گرفته بود، برجسته کرد. این نظریه مبحث امنیت را پیرامون نظامی و صلح و جنگ کاهش نمی‌دهد و از طرفی مانند نظریه‌های نو (همچون نظریه‌های پست مدرنیسم و انتقادی) تنها در پی نقد و کشمکش تفکرهای قدیمی نمی‌باشد. نظریه «امنیتی ساختن» که حاصل این مکتب است، به معنای خروج پدیده از حوزه «سیاست‌های عمومی» و وارد کردن آن‌ها به حوزه امنیتی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱). در چهارچوب این نظریه، امنیت، نه پدیده‌ای عینی و مربوط به خارج، بلکه نتیجه فرایند اجتماعی خاصی می‌باشد.

مکتب کپنهاگ با رد عینی بودن مقوله امنیت، نظریه امنیتی ساختن امنیت را موضوعی «بینا ذهنی»⁵ و «خود مصداقی»⁶ می‌داند. موضوع بیناذهنی به این مهم اشاره دارد که امنیت میان ارتباط بازیگر امنیتی ساز و مخاطب او ساخته می‌شود. از نظر مکتب

⁵ Intersubjective

⁶ Self-Referential

کپنهاگ، مفهوم امنیت تابع روش تفسیری است و معنی آن در کارکرد آن نهفته است و چیزی نیست که بتوان آن را از لحاظ تحلیلی یا فلسفی بر اساس آنچه که باید بهترین باشد، تعریف کرد (Balzacq, ۱۷۶, ۲۰۰۵-۷۸).

تهدیدات سیاسی متوجه: ۱- مشروعیت داخلی واحد سیاسی ۲- مشروعیت خارجی آن ۳- و مشروعیت ایدئولوژیک خواهند شد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۲). بنابراین می‌تان گفت که امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند (درویش، ۱۳۷۶: ۴۸).

از نظر بوزان و سایر اعضای مکتب کپنهاگ، تهدیدات وجودی در بخش اقتصادی در ماهیت و ذات بازار نهفته است. رقابت شدید خارجی، محدودیت صادرات محصولات داخلی، واردات، دخالت در قیمت‌ها، ارز و نرخ بهره در مجموعه تهدیدات بخش اقتصادی قرار دارند (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). امنیت اجتماعی به پایداری و دوام الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عادات محلی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

تاریخچه روابط ایران و پاکستان

سیاست خارجی پاکستان با توجه به سیاست‌های داخلی آن، از نظر جغرافیایی و تا حد قابل توجهی تعیین می‌شود. مبارزه باهند و اصرار بر ایجاد دولت پایدار در افغانستان از زمان تأسیس آن، ویژگی‌های مداوم سیاست خارجی پاکستان بود. سپس تلاش می‌کند تا به شیوه روابط دوستانه با همسایه غربی خود، تأسیسات موفق را در افغانستان ایجاد کند، که همیشه از به رسمیت شناختن خط دیورند به عنوان مرز بین دو کشور خودداری می‌کند. (KUMAR, ۲۰۱۹; ۳).

گرچه مبارزه با تروریسم، از مؤلفه‌های سیاست خارجی پاکستان است، با این حال، تعریف و مصداق تروریسم ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد و به‌عنوان مثال درحالی‌که ایالات متحده طالبان را تروریست می‌داند، پاکستان به چنین مصداقی معتقد و پایبند نباشد. (معین الدینی، ۱۳۹۷: ۴)

همکاری با سازمان ملل مهمترین مؤلفه اقدامات خارجی در پاکستان است و همواره از صمیم قلب این منشور را دنبال کرده است. از این رو، پاکستان تمام تصمیمات سازمان ملل را تأیید کرده است و حتی هرگز از ارائه کمک‌های نظامی تحت اصول هدایت سازمان ملل دریغ نکرده است. (Muzaffar, Yaseen, Ishfaq, ۲۰۱۶: ۷۱).

ایران نخستین کشوری بود که در اوت ۱۹۴۷، استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت و پاکستان نیز نخستین کشور جهان بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران را در فوریه ۱۹۷۹، به رسمیت شناخت. در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثابت ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گری مذهبی و تحولات افغانستان، تروریسم، نوع روابط و همکاری‌های پاکستان و هند با محوریت کشمیر و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا با کارکرد دوگانه و چهره ژانوسی خود، همواره حضور داشته‌اند که در ترکیب با مولفه‌های متغیر و شرایط زمانی حاکم بر دو کشور، منطقه و نظام بین‌الملل، سرنوشت مناسبات دو جانبه ایران و پاکستان را رقم زده است. (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰: ۷).

ایران و پاکستان، گسترش زبان فارسی را در اولویت قرار دادند. در برنامه مبادلات فرهنگی، علمی و فنی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ میلادی، به صورت رسمی تصویب شده، توجه به زبان و ادبیات فارسی در بندهای مختلف آن ذکر شده و مورد توافق قرار گرفته است. جاذبه‌های گردشگری، دین مشترک، مشاهیر عرفان و دین، مناسبت‌های مشترک مذهبی و ملی از جمله؛ عید فطر، قربان، محرم، نوروز و آداب و رسوم مشترک مردم به دلیل همسایگی از دیگر مشترکات فرهنگی مردم ایران و پاکستان است. (خجسته، ۱۳۹۷: ۸).

برای گذار از عامل امنیتی در ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان و رسیدن به روابط نهادینه شده و پررنگ تر شدن عامل فرهنگی و اقتصادی، باید حوزه‌های مختلف دو کشور در زمینه‌های اقتصادی به هم نزدیک شوند. (جوادی ارجمند و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

پاکستان و ایران در صلح و ثبات در افغانستان نقش اساسی دارند. یک افغانستان ناامن و ناپایدار پس از عقب نشینی نیروی بین‌المللی کمک‌های امنیتی می‌تواند پیامدهای جدی برای امنیت داخلی کشورهای منطقه- عمدتاً پاکستان، هند و ایران، که از نظر ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ملی در افغانستان رقابت می‌کنند، داشته باشد. پاکستان و عربستان سعودی از رژیم طالبان در دهه ۱۹۹۰ حمایت کردند. بعداً، وقتی پاکستان بخشی از اتحاد به رهبری ایالات متحده علیه طالبان افغانستان شد، روابط پاکستان با ایران رو به بهبود گذاشت. در سالهای اخیر همگرایی فزاینده‌ای در زمینه منافع سه جانبه در بین پاکستان، ایران و افغانستان به وجود آمده است، از جمله در زمینه‌های ضد تروریسم، امنیت مرزها، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و غیره همچنین نارضایتی‌های ایران نسبت به حمایت پاکستان از طالبان در گذشته در دوره‌های اخیر به میزان قابل توجهی مورد توجه قرار گرفته است. آنچه ممکن است پاکستان را مختل کند، همکاری ایران با هند در بسیاری از پروژه‌های ساختاری مهم در افغانستان است که می‌تواند به عنوان یک عامل تحریک‌کننده در روابط پاکستان و ایران باشد. (Sial, ۲۰۱۵: ۲۳).

«کشور ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه‌نشین، نسبت به سرنوشت شیعیان در کشورهای مختلف بی‌تفاوت نبوده است. با توجه به جمعیت توجه شیعیان در پاکستان، مقامات ایران همواره کشتار شیعیان را که توسط سلفی‌های وهابی در پاکستان صورت می‌گیرد مورد انتقاد قرار داده‌اند. افزون بر نزدیکی ایران با شیعیان پاکستان، این کشور از نظر امنیت مرزهای شرقی خود نیز که سبب تردد غیرمجاز این گروه‌های افراطی می‌شود، ابراز نارضایتی کرده است.» (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

تعاون اقتصادی فیما بین پاکستان-ایران بارزترین نکته در همکاری‌ها و گفتگوهای سیاسی بین ایران و پاکستان طی سالهای اخیر بوده است. حجم صادرات ایران به کشور پاکستان در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ میلادی حدود ۲۶۵ میلیون دلار بر آورده شده است و حجم واردات از این کشور به ایران تنها ۹۲ میلیون دلار بوده است. صادرات غیر نفتی ایران به پاکستان با افزایش ۱۱ درصدی در سال ۲۰۰۸ میلادی به ۲۷۸ میلیون دلار رسید. در سال ۲۰۱۳ حجم تجارت به ۹۴۷ میلیون دلار رسید اما با این حال در حال حاضر حجم مرادوات اقتصادی دو کشور در شرایط مطلوبی قرار ندارد. تهران و اسلام‌آباد در نظر دارند حجم مرادوات اقتصادی از مرز ۵ میلیارد دلار بگذرد این در حالی است که هم اکنون حجم مرادوات اقتصادی بین دو کشور از رقم ۱.۵ میلیارد دلار فراتر نرفته است (محمدی، ۱۳۹۷: ۴).

پاکستان همواره به عنوان منشأ و پایگاه طالبان، مورد اتهام بوده است و مقامات افغانستان بارها اعلام کرده اند سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی.اس.آی) در آموزش، هدایت، تجهیز و ارائه ی تاکتیک های پیشرفته به طالبان نقش مؤثری دارد. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۵-۱۵۲)

عدم امنیت داخلی در کشور افغانستان باعث ایجاد کنش امنیتی در دو کشور پاکستان و ایران می شود. پناه آوردن دسته‌هایی از مهاجرین به فعل‌های ناهنجار مثل سرقت، قاچاق مواد مخدر، گروگان‌گیری و غیره، ترس را در بین مردم دوکشور ایران و پاکستان ایجاد و امنیت داخلی را ناپایدار می‌سازد. (پورخسروانی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیشترین اثربخشی را در کشور افغانستان و پاکستان ایجاد نموده است. افغانستان به دلیل داشتن اقوام و طایفه‌های مختلف و داشتن مرز مشترک با ایران، ظرفیت بسیار بالایی برای تأثیرپذیری از ایران دارد و حضور چشم‌گیر شیعیان در این کشور، این تأثیرپذیری را دو چندان کرده است (باباپور، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

با روی کار آمدن شبه‌نظامیان طالبان در افغانستان، اگر چه ایران نقش پر رنگی را بازی نمود؛ اما در مقابل اثر پاکستان موفق نبود. آشفتگی افغانستان به دنبال فروپاشی شوروی و پشتیبانی موثر پاکستان از طالب‌ها، وارد مرحله جدیدی شد. اسلام‌آباد بیمناک از این بود که جمهوری اسلامی ایران و ترکیه مناسبات اقتصادی را با آسیای مرکزی توسعه و قوام دهند و در سال‌های پیش رو، ایران به کریدور مهم برای تجارت آسیای مرکزی به اقیانوس هند از سوی بندرعباس مبدل شود و بدین صورت با بندر کراچی پاکستان رقابت نماید. موضوع دیگر احتیاج وافر پاکستان به نفت و گاز آسیای مرکزی و ترانزیت آن در این کشور است. پاکستان برای این که به چشم‌اندازهای اقتصادی موردنظر خود برسد، باید بر افغانستان تسلط می‌داشت، لیکن این کشور بخشی از مسیر ترانزیت به شمار می‌رود. به این ترتیب پاکستان حمایت از طالبان را در پیش گرفت و عاقبت با پشتیبانی‌های لجستیک مالی و نظامی آن، طالب‌ها بر تمام کشور افغانستان مسلط شد. در این برهه ایران پشتیبان اصلی نیروهای مخالف طالبان و ائتلاف شمال به شمار می‌آمد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۷۳).

بهترین گزینه در افغانستان از منظر امنیت ملی ایران، استقرار ثبات و امنیت برای کنترل افراطگرایی است. ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان و پاکستان علاوه بر اینکه از اهداف مشترک ایران و آمریکا محسوب می‌شود،

برخی معتقدند ایران در افغانستان و پاکستان و به‌ویژه در قرار گرفتن در جریان تحولات افغانستان ضعیف و کم‌اثر عمل کرده است. نه مناسبات سطح بالای دیپلماتیک با این کشور در حد مطلوب و عالی قرار داشته و نه ارتباط با گروه‌ها و افراد دارای نفوذ سیاسی در افغانستان قوی و چشمگیر بوده است. حتی دو طرف در مقاطعی تنش‌هایی هرچند کوتاه‌مدت-همانند تظاهرات در مقابل سفارت ایران در کابل و یا اعدام تبعه افغان به دلیل حمل مواد مخدر، موضوع مهاجرین و یا بحث حقوق آب رودخانه هلمند را هم تجربه کرده‌اند و در پاره‌ای مواقع ایران به دست داشتن در امور داخلی یا تحریک مخالفان افغانستان متهم شده است (پهلوانی، ۱۳۹۱: ۷۲۷).

تحولات جدید سیاسی بعد از بحران افغانستان و در پی آن تغییرات جدید ژئوپلیتیک در منطقه، از دو جهت برای ایران «معمای جدید امنیتی» به وجود آورده است:

- ۱- حضور مستقیم نیروهای آمریکایی در مرزهای ایران، همراه با احتمال ایجاد پایگاه‌های جدید نظامی؛
- ۲- تهدیدهای ناشی از تغییرات جدید ژئوپلیتیک در منطقه که به دنبال روند انتقال منطقه به نظم جدید سیاسی-امنیتی، پدید آمده‌اند.

معمای جدید امنیتی این است: سیاست‌هایی که از نظر آمریکا، افزایش امنیت منطقه‌ای، تعبیر می‌شود هم‌زمان برای ایران کاهش امنیت منطقه‌ای تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر، هرچند تحولات شکل گرفته در افغانستان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به سود منافع و امنیت ملی ایران است و این کشور نیز به‌طور طبیعی خواهان افغانستانی امن، با ثبات، دوست و توسعه‌یافته است، اما حضور نیروهای آمریکایی و اهداف درازمدت این کشور در راه‌اندازی پایگاه‌های نظامی در افغانستان و آثار آن بر منطقه، جمهوری اسلامی ایران را ناگزیر از همکاری نکردن با آمریکا در منطقه می‌کند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

حمایت پاکستان از طالبان و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران

طالبان تقریباً یک سازمان ملی در افغانستان ایجاد کرده که بیشتر دایره نفوذش جنوب و جنوب شرق افغانستان است (پهلوانی، ۱۳۹۱: ۷۱۷). طالبان که از حمایت خارجی و همچنین حمایت بخش مهمی از مردم افغانستان برخوردار است، بار دیگر به صحنه سیاسی افغانستان بازگشته و تهدیدی جدی برای افغانستان و منطقه محسوب می‌شود. (برزگر و توکلی، ۱۳۹۱: ۲۱).

تجدید حیات طالبان و افزایش عملیات تروریستی، تهدید جدی برای منافع و امنیت ملی ایران، به خصوص در مرزهای شرقی ایران محسوب می‌شود. این تهدید از یک سو شامل اقدامات و عملیات تروریستی است و از سوی دیگر، به دلیل پیوندهای قومی و قبیله‌ای در مرزهای دو کشور، احتمال ایجاد و تقویت منازعات قومی و افزایش مهاجرت به مرزهای ایران و همچنین تشدید قاچاق مواد مخدر (که طالبان از حامیان اصلی تولید و قاچاق مواد مخدر است)، بیشتر می‌شود (همان: ۲۲).

شورای روابط خارجی ایالات متحده در گزارشی اعلام کرد که پاکستان از طالبان حمایت می‌کند. پرویز مشرف پس از چند روز، این بحث را مطرح کرد که احتمال دارد برخی نیروهای دولتی از طالبان حمایت کنند؛ زیرا طالبان هنوز در پاکستان وجود دارند و این گروه بنیادگرا از قبایل پشتون برخاسته که ساکن مناطق مرزی دو کشور هستند. همچنین مشرف در مواضع رسمی همواره حمایت حکومت پاکستان را از طالبان رد می‌کند. با این حال، اذعان می‌کند که کشورش آن گونه که در از بین بردن القاعده تلاش کرده در مبارزه با طالبان عمل نکرده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

تأثیر توسعه بندر گوادر در مقابل بندر چابهار بر امنیت ملی ایران

توسعه بندر گوادر این قابلیت نظامی را ایجاد خواهد کرد که ظرفیت های نیروی دریایی پاکستان در ترکیب با نیروی دریایی چین به چالشی قابل ملاحظه برای تفوق دریایی دهلی نو در اقیانوس هند تبدیل شود. دیگر پیامد برجسته نظامی آن، افزایش ظرفیت چین برای مانیتور فعالیت های نیروی دریایی آمریکا در این حوزه خواهد بود.

ایران و دبی پورت جهانی (امارات متحده عربی) علاقه مند هستند که بندر گوادر را از رقابت خارج کنند، زیرا این شهر به عنوان دروازه ای به تنگه هرمز فعالیت می‌کند. پاکستان باید به همه نگرانی ها توجه کند تا گذار را به عنوان یک راهرو انرژی منطقه ای تبدیل کند ((Malik, 2012)

نقش کلیدی چین در توسعه بندر گوادر پیامدهای پیچیده ای برای منافع ایران دارد. توسعه بندر گوادر در کوتاه مدت موقعیت بندر چابهار را تضعیف می‌کند و هم‌زمان رغبت هند را برای افزایش سرمایه گذاری در بندر چابهار افزایش می‌دهد. هم‌چنین

توسعه بندر گوادر اهمیت مسیرهای ترانزیتی پاکستان به آسیای میانه را به هزینه مسیرهای ترانزیتی ایران به این حوزه کاهش می دهد. ایران می بایست از رقابت های هند و چین و رقابت های همسایگان دور و نزدیک چین در گستره وسیع آسیا پاسیفیک در جهت تحقق طرح بزرگ کریدور بین المللی شمال- جنوب بهره بگیرد که مستلزم محاسبات و سیاست های عمل گرایانه ایران در جهت بهره گیری بیشتر از فرصت های جهان بیرونی برای ارتقا بیشتر استانداردهای زندگی روزمره مردم است (بهرامی مقدم، ۱۳۹۵: ۷).

صرف ایجاد منطقه آزاد تجاری گوادر که فاصله ای کمتر از ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ایران دارد، در بردارنده آثار مثبت و منفی برای ایران است که به مراتب در شرایط کنونی، آثار منفی آن بیش از آثار مثبت است.

۱- پیامدهای منفی: روشن ترین و بارزترین اثر منفی این نقشه، تضعیف ماهیت وجودی منطقه آزاد چابهار در جنوب شرقی ایران است. این نکته مهم در سطح عالی تر، طرح راهبرد محور شرق را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. مزیت قابل توجه و مهم بندر گوادر در مقایسه با چابهار، قرابت این بندر به بندر کراچی و اتصال آن از طریق بزرگراه مکران است.

۲- آثار مثبت: از جمله آثار مثبت توسعه و تجهیز بندر آزاد گوادر، فراهم شدن زمینه توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و پاکستان و در سطح خردتر، پیوند دو منطقه آزاد چابهار و گوادر است. از آنجا که روابط تجاری غیرنفتی دو کشور به دلیل مسائل مرزی، در سطح پایینی قرار دارد. در شرایطی که دو منطقه آزاد تجاری ایران و پاکستان در فاصله ای کمتر از ۲۰۰ کیلومتر قرار گرفته اند، پیوندهای اقتصادی و تجاری این دو منطقه می تواند در توسعه و تنوع روابط تجاری و طرح های مشترک سرمایه گذاری موثر واقع شود. یکی از موانع کنونی توسعه منطقه آزاد چابهار در مقایسه با دو منطقه آزاد کیش و قشم، فاصله زیاد آن با مراکز تجاری و اقتصادی منطقه خلیج فارس است که توسعه بندر گوادر با مشارکت گسترده چینی می تواند در رفع این مشکل تأثیرگذار باشد.

تأثیر حمایت پاکستان از حضور ناتو و آمریکا در منطقه بر امنیت ملی ایران

یکی از زمینه هایی که همواره باعث شده آمریکا و پاکستان به هم نزدیک شوند، مسئله افغانستان بوده است. در زمان جنگ افغانستان در دهه ۱۹۸۰ میلادی، منافع تاکتیکی پاکستان که شامل دریافت کمکهای مالی از آمریکا، حمایت آمریکا از این کشور در مقابل هند، افزایش قدرت داخلی دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق... بود، باعث همکاری پاکستان با آمریکا در جنگ افغانستان شد. (خانلرخانی، ۱۳۹۰: ۱)

حضور نظامی آمریکا در افغانستان می تواند از نظر نظامی به مراتب برای ایران خطرناک تر از طالبان باشد. حداقل حضور نظامی آمریکا در افغانستان ایران را در محاصره کامل تری قرار خواهد داد و فضای تنفسی آن را محدود تر خواهد کرد. از این رو، حتی اگر رویارویی نظامی بین این ایران و آمریکا به طور کلی منتفی باشد ولی باز هم، نفس حضور نظامی آمریکا در افغانستان برای ایران تهدید آمیز و منبع اعمال فشار است تا جایی که این کشور هژمونی آمریکا را بپذیرد.

بدون شک، آمریکا با اشغال افغانستان و سپس حمله به عراق در شرق و غرب ایران، اکنون به اعتباری در همسایگی ایران قرار گرفته است. به علاوه، آمریکا در حوزه خلیج فارس، ترکیه و جمهوری آذربایجان حضوری غیر مستقیم اما مؤثر دارد. به این ترتیب مشاهده می شود که ایران در هر چهار طرف با حضور آزار دهنده آمریکا رو به رو می باشد. شدت و ضعف تهدید آمیز بودن حضور آمریکا در افغانستان بستگی به نحوه رفتار، تعامل و عدم تعامل دو طرف خواهد داشت.

حمله آمریکا و نیروهای ناتو به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی که در پی حوادث یازده سپتامبر صورت گرفت موجب شد تا نیروهای فرمانطقه ای به بهانه مبارزه با تروریسم در این کشور حضور سنگین امنیتی و نظامی پیدا کنند و این مساله به عنوان نقطه عطف در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان محسوب می شود. تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان به دلیل همسایگی با ایران آثار مستقیم و غیر مستقیم بر حوزه های امنیت ملی کشورمان دارد و این مساله ایجاب می کند تا رویکردهای استراتژیک ایران در قبال افغانستان تابع اصول و قواعد ویژه ای باشد.

تأثیر ترانزیت و قاچاق مواد مخدر در پاکستان بر امنیت ملی ایران

بزرگ‌ترین علت ازدیاد قاچاق مواد افیونی از مسیر پاکستان، نداشتن التزام و صریح بودن مسئولان پاکستانی اعم از مقامهای سیاسی، قضایی و پلیس و دیگر دستگاههای ذیربط در مقابله با قاچاق و ترانزیت مواد مخدر است. (محمدی و غنجدی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۱۰)

وابستگی مهم و روشن میان میزان ایجاد و تولید ثروت حاصل از کاشت و تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های گروه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؛ زیرا این گروه‌ها از مواد افیونی و سود ناشی از آن گذران زندگی می‌کنند؛ (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۷) به طوری که یکی از منابع مهم اقتصاد طالبان، کشت و قاچاق مواد مخدر و ارتباط با شبکه‌های تجاری مافیای مواد مخدر بزرگ بین‌المللی است. (احمدی و بیداللهخانی، ۱۳۹۱: ۳۲) بنابراین جای هیچ پرسشی باقی نمی‌ماند که پاکستان به عنوان بهشت قاچاق حرفه‌ای و بین‌المللی معروف است. وجود داشتن مناطق قبیله‌ای خاکستری و خودمختار مانند «سرحد»، «خبیر» و «مند» باعث شده تا آزمایشگاه‌های بسیاری برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور بسیار رونق داشته باشد. این عوامل باعث ایجاد ارباب برای امنیت ملی ایران شده است. به گروگان گرفتن ۹ نفر از سربازان نیروی انتظامی ایران در ابتدای زمستان ۱۳۸۴ در مرز شرقی به وسیله ی اشرا و وابسته به نیروهای القاعده و نقل مکان آنان به پاکستان، از نمونه‌های برجسته امن بودن این کشور برای اشرا و قاچاقچیان است. علاوه بر این، نداشتن شفافیت دولت پاکستان با ایران، در شناسایی و دستگیری عوامل مهم قاچاق مواد مخدر که همیشه در خاک پاکستان رفت و آمد دارند، از جمله موضوع‌هایی است که به این ارباب و وحشت می‌افزاید. ضمن این که منابع اطلاعاتی در اسلام آباد که با عوامل FBI تعامل دارند، گفته‌اند ضمن دست داشتن افراد دولتی پاکستان بویژه سرویس‌های اطلاعاتی در کار قاچاق هروئین، درآمدهای غیرقانونی ناشی از قاچاق هروئین از سال ۱۹۹۰ اقتصاد این کشور را فعال نگه داشته و از سقوط آن جلوگیری کرده است. (محمدی و غنجدی، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۱۱۰)

علاوه بر این، پیامدهای ناخوشایند قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی ایران از سوی کشورهای افغانستان و پاکستان را از جهت اقتصادی و اجتماعی در مواردی مانند افزایش درگیریها و تلفات در مرزها، ازدیاد هزینه‌های کنترل مرز، آلودگی نیروهای مقابل‌کننده، تسهیل ورود سایر کالاها، تسهیل تردد اتباع بیگانه، ایجاد شرارت و ناامنی از سوی قاچاقچیان، ناامن بودن فضا (شرق و جنوب شرق کشور) جهت سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه، میداند. (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۰ - ۱۵۵)

تأثیر جدایی طلبی در بلوچستان پاکستان بر امنیت ملی ایران

با وجود آن که بلوچستان کم جمعیت ترین ایالت پاکستان (در حدود ۵/۱ درصد است جمعیت حاضر) است، اما از لحاظ اقتصادی و استراتژیک بسیار مهم است. بخش مهمی از انرژی پاکستان و منابع معدنی، شامل ۳۶ درصد کل گاز در این ایالت قرار دارد. همچنین بلوچستان دارای مقادیر زیادی ذغال سنگ، طلا، مس، نقره، پلاتین، آلومینیوم، و مهمتر از همه، اورانیوم است و یک منطقه ترانزیت بالقوه برای خط لوله انتقال گاز طبیعی از ایران و ترکمنستان به هند و پاکستان می باشد. (Grane, 2006: 3)

بلوچها بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده اند. از زمان استقلال پاکستان این قوم همواره سودای جدایی داشته است. در ایران این موضوع کم رنگ تر بوده است اما در ده سال گذشته گروه های مسلح فعالیت خود را بیشتر کرده اند. از گروه های مسلح می توان گروه جندالله را به رهبری عبدالمالک ریگی نام برد که در سال ۲۰۱۰ دستگیر و اعدام شد. گروگانگیری اخیر و کشتن ۱۴ سرباز ایران در ماه نوامبر کار گروه جیش العدل است که در سال ۲۰۱۲ تاسیس شده است. ایران بارها نارضایتی خود را از استقرار گروه هایی مانند این دو در خاک پاکستان ابراز کرده است.

مقابله پاکستان با افزایش نفوذ ایران در سطح منطقه ای و بین المللی

از زمان انقلاب ایران، بسیاری از شیعیان پاکستان به ایران به عنوان یک رهبر معنوی و سیاسی می نگرند (Zambelis, 2006: ۱). همین باعث شد تا کشورهای عرب منطقه برای جلوگیری از نفوذ عقیدتی تشیع، سرمایه گذاری زیادی بر تبلیغ مسائل مذهبی کنند. کشور پاکستان به دلیل جمعیت زیاد و فقر مضاعف، یکی از بهترین محیط های سرمایه گذاری برای مقابله با نفوذ ایران بود. ظهور نیروهای ضد شیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمد (جوادیارجمند و...: ۱۳۹۱: ۶۵)

چالش های جمهوری اسلامی ایران نسبت به بازخورد ناامنی ها از جانب پاکستان در ایران

از جمله مسائلی که بر امنیت مرزهای مشترک ایران و پاکستان اثرگذار است، می توان به چند مورد اشاره داشت:

الف) پدیده اشراق سیاسی و بروز ناامنی از نوع تروریسم در مرزهای شرقی

ب) بی ثباتی و درگیری در کشور همسایه و تأثیر آن بر کارکرد امنیتی مرز: بی ثباتی در یک کشور، حداقل از دو بعد تأثیر مهمی بر کارکرد مرزها از نظر امنیتی دارد:

۱. هرگونه بی ثباتی سیاسی در یک کشور ضمن ایجاد بحران در امور داخلی کشور مزبور باعث سرایت بحران و پیامدهای مخرب آن به کشورهای مجاور به ویژه مناطق مرزی خواهد شد.

۲. بی‌ثباتی سیاسی و تغییر پی‌درپی حکومت، منجر به عدم ثبات در وضع و اجرای قوانین و مقررات می‌شود. بدیهی است عدم ثبات قوانین و برخوردهای چندگانه در مورد فعالیت‌ها و مقررات موجود در مناطق مرزی، باعث عدم توسعه پایدار در این مناطق می‌گردد.

ج) تردد غیرمجاز اتباع خارجه و عدم نظارت و کنترل موثر بر آن

ه) تبلیغ و ترویج سلفی‌گری: این پدیده بیشتر ریشه منطقه‌ای دارد که سه کشور عربستان، پاکستان و امارات بزرگ‌ترین حامیان مالی و فکری این جریان می‌باشند و مناطق شرق کشور نیز با توجه به بافت قومی، مذهبی و جغرافیایی از ظرفیت بالایی در این زمینه برخوردار است.

و) قاچاق مواد مخدر

چالش‌های کنونی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تهدیدات پاکستان نسبت به امنیت ملی ایران به‌قرار زیر می‌باشد: استقبال از خطر آشکار بین ایران و سر برآوردن «اتحاد نظامی عربستان سعودی» پس از دیدار ترامپ از آن کشور، عضویت پاکستان در اتحاد نظامی عربستان سعودی (به‌خصوص اینکه ژنرال راحیل شریف به ریاست اتحادیه‌ی نظامی اسلامی در مبارزه با تروریسم منصوب شده است)، بی‌ثباتی در افغانستان و صعود طالبان، شرارت در بلوچستان و اختلافات مرزی میان ایران و پاکستان. (به‌آتاچارجی، ۱۳۹۶).

چالش‌ها و موانعی برای ورود ایران به بازار پاکستان وجود دارد که عبارت است از:

۱- خطر حذف تدریجی ایران از جاده مهم ابریشم

۲- نبودن کانال بانکی.

۲- تعرفه بالای.

۴- خلف وعده کردن بعضی شرکت‌های ایرانی در زمینه تحویل و کیفیت بار رقابت منفی بین صادرکنندگان کشورمان و تفکر پیله‌وری و فروش کارخانه‌ای یکی دیگر از چالش‌ها است.

۵- نداشتن شناخت ظرفیت‌های بالای پاکستان برای همکاری

۶- شکل گرفتن تجارت غیررسمی.

۷- فقدان مرکز تجاری جمهوری اسلامی ایران در پاکستان.

فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت به بازخورد ناامنی‌ها از جانب پاکستان در ایران

جمهوری اسلامی ایران و پاکستان دارای قرابت های فرهنگی، مذهبی و تاریخی و نیز منافع اقتصادی مشترک بسیاری هستند که توسعه روابط فی ما بین می تواند زمینه ساز شکوفایی اقتصادی همسایه شرقی به ویژه پایداری امنیت و ثبات کامل در مرزهای دو کشور که همواره مرز صلح و دوستی بوده است، شود. به یقین، ترافیک رفت و آمد هیات های ایران و پاکستان به کشورهای هم، نشان دهنده ابعاد گسترده بندهای پیوستگی میان دو ملت و دولت ایران و پاکستان است که این همگرایی در حوزه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی اجتماعی قابل مشاهده است.

سال ها، امارات متحده عربی به عنوان شریک اول تجاری ایران، مبدائی برای صادرات کالا به ایران و همچنین صادرات کالای ایرانی به سراسر جهان بود. از رهگذر همین صادرات مجدد، دبی به رشد اقتصادی قابل توجه دست پیدا کرد. فرصتی که شاید برای پاکستان فراهم بشود. بر این اساس، بسیاری از کالاهای ایرانی (که به واسطه کاهش ارزش ریال، با قیمت تمام شده کمتری تولید می شود) از طریق بازارچه های مرزی به پاکستان صادر و در کنار تلاش برای دراختیار گرفتن سهم قابل توجه از بازار ۲۰۰ میلیون نفری این کشور، آماده برای صادرات مجدد به اقصی نقاط جهان می شود. رونق بازارچه های مرزی و بنادر چابهار و گوادر، از یک سو به کاهش محرومیت در دو سوی مرز می انجامد که خود زمینه ساز امنیت پایدار در منطقه است و از سوی دیگر تبادلات اقتصادی دو کشور را افزایش و وابستگی متقابل ایجاد می نماید که خود امنیت ساز است. (فرهادیان، ۱۳۹۸: ۸)

بنابراین پاکستان یکی از کشورهای همسایه است که به دلایل زیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است:

۱- جمعیت ۲۱۰ میلیون نفری پاکستان به عنوان ششمین کشور پرجمعیت جهان که پیش بینی می شود تا سال ۱۴۰۹ جمعیتش به ۳۰۰ میلیون نفر برسد و چهارمین کشور پرجمعیت جهان و با پیشی گرفتن از اندونزی نخستین کشور پرجمعیت مسلمان شود، یک بازار وارداتی است و نسبت به طور تقریبی دو برابری واردات به صادرات در پاکستان زمینه حضور در بازار این کشور را به طور بالقوه فراهم کرده است. آنچه اهمیت جمعیت این کشور را برجسته می کند این است که بیش از نیمی از آنها دارای سنی کمتر از ۲۵ سال هستند که با برنامه ریزی بهتر، بلندمدت و سرمایه گذاری مرتبط می توان بهترین استفاده را از حیث فرهنگی و اقتصادی کرد.

۲- با توجه به وضعیت تحریم های ظالمانه بر کشورمان و محدودیت های پیش آمده برای صادرات کالاهای ایرانی، کشور پاکستان به دلیل هم مرز بودن و همچنین برخورداری از مناطق ویژه اقتصادی می تواند به عنوان پایگاهی برای صادرات دوباره کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه ای در نظر گرفته شود.

۳- اقلام عمده صادراتی به بیشتر شریکان تجاری ما مواد پتروشیمی است اما حجم متنوعی از کالاها از قبیل فرش ماشینی و کفپوش ها، مواد شوینده، کاشی و سرامیک، میوه و صیفی جات از جمله سیب درختی، حبوبات (به ویژه نخود و تخم گشنیز)، پسته، خرما، مربا، سیمان، شکلات، مواد پلاستیکی و دمپایی، پوست خام و قیر نفت به پاکستان صادر می شود. (طهرانی، ۱۳۹۸: ۹).

پاکستان در حال ساخت دو پروژه بسیار مهم با کمک چین است: کریدور اقتصادی پاکستان-چین (CEPEC) مجموعه ای از پروژه های زیرساختی است که هم اکنون در سراسر پاکستان در حال ساخت هستند. بندر گوادر، در جنوب ایالت بلوچستان پاکستان

و حدود ۷۰ کیلومتری مرز ایران راین بندر بر کرانه دریای عمان واقع شده و بندری در حال پیشرفت است (طهرانی، ۱۳۹۸: ۱۱). برخلاف نظر برخی افراد که سعی می‌کنند این دو پروژه را تهدیدی برای ایران به‌شمار آورند، با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری کلان می‌توان ادعا کرد که این دو پروژه فرصت بسیار خوبی برای ایران فراهم خواهد آورد. چراکه در صورت عملیاتی شدن کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) و بندر گوادر و ایجاد راه‌های ارتباطی بین دو کشور ایران و پاکستان می‌توان دست‌کم بخشی از کالای صادراتی چین به مقصد اروپا را به‌جای عبور دادن از مسیر صعب‌العبور افغانستان و انتقال پرهزینه آن از طریق مسیر ترکمنستان به اروپا، به‌راحتی از مسیر ایران به ترکیه منتقل و از آنجا به اروپا منتقل کرد و ایران نیز نفت و برخی از کالاهای صادراتی خود را به چین به‌عنوان نخستین مقصد کالاهای صادراتی ایران از این مسیر ارسال کند و در صورت توسعه متوازن بندر چابهار همگام با بندر گوادر این دو بندر به‌ویژه در شرایط تحریم می‌توانند نه رقیب هم، بلکه مکمل هم باشند.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی پاکستان با حدود ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت از جمله کشورهای مهم جنوب آسیا و از همسایگان مهم ایران محسوب می‌شود. روابط ایران و پاکستان گاه‌به‌گاه به‌مو رسیده اما پاره نشده است. تمرکز دو کشور بر بهبود روابط بوده است اگرچه در برخی از مسائل همچون به‌شهادت رسیدن دیپلمات‌های ایرانی در مزارشریف و یا ترور دیپلمات‌های ایرانی در پاکستان روابط دو کشور سرد گردید اما همواره دو دولت به دنبال همزیستی مسالمت‌آمیز بوده‌اند.

حمایت همه‌جانبه کشورهای غربی از گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریستی برای ناامن جلوه دادن ایران از موضوع‌هایی است که روابط ایران و پاکستان را با چالش مواجه کرده است. این حمایت‌ها افزون بر کمک‌های اقتصادی، تبلیغات رسانه‌ای را نیز شامل می‌شود. در این زمینه می‌توان به کمک‌های آمریکا به گروهک تروریستی جندالله اشاره کرد. رژیم صهیونیستی نیز باعث شکاف‌های مذهبی در این ناحیه از کشور و دامن زدن به اختلافات مذهبی شده است که باهدف ناامن سازی مناطق شرقی ایران انجام‌گرفته است.

پاکستان به لحاظ مسائل مالی و پیوندهای مذهبی به‌عنوان یک کشور اهل سنت رابطه بسیار نزدیکی با عربستان دارد. بخش مهمی از نیروی کار پاکستان در داخل عربستان و بقیه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس حضور دارند و سالانه چندین میلیارد دلار از این منطقه به پاکستان انتقال داده می‌شود که امری حیاتی برای پاکستان است. مسئله فرقه‌گرایی و نفوذ معنوی انقلاب ایران در پاکستان، نیروهای افراط‌گرا را در این کشور تقویت کرد. در پی این مسئله پاکستان نیز به تحریک اقلیت سنی ایران در مرزهای شرقی پرداخت. تا جایی که در سال‌های اخیر گروه جندالله با تأثیر از مدارس مذهبی پاکستان در خاک ایران دست به عملیات تروریستی می‌زنند و به خاک پاکستان متواری می‌شوند و پاکستان نیز تا حد امکان از آنان به‌عنوان برگ برنده در بازی بین روابط ایران و عربستان استفاده می‌کند.

در شکل‌گیری مسائل امنیتی در استان سیستان و بلوچستان، گسست‌هایی وجود دارد که یکی از این گسست‌ها مؤلفه‌های هویتی، یعنی قومیت، مذهب و زبان است. این مؤلفه‌ها بنا به دلایل مشخص، بلوچ‌ها را در مرتبه واگرایی با حکومت مرکزی ایران و

همگرایی با پاکستان قراردادند. برای حفظ ثبات در منطقه و استحکام در روابط دوجانبه لازم است که دو طرف اقدامات اساسی از طریق تحکیم رابطه با تقویت پیوندهای موجود در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی انجام دهند.

ایران و پاکستان دارای پتانسیل همگرایی در زمینه‌های متعدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی هستند. عضویت در سازمان اقتصادی اکو، عضویت در سازمان همکاری کشورهای اسلامی و عضویت در سازمان اقتصادی، امنیتی و سیاسی شانگهای بخشی از داریی‌های مشترک دو کشور ایران و پاکستان در رسیدن به همگرایی است؛ البته تا رسیدن به همگرایی کامل و یک منطق همگرایی واقعی میان دو کشور هنوز زمان زیادی باقی مانده ولی دور از دسترس نیست.

مناسبات ایران و پاکستان بر اساس مسائل دوجانبه، شرایط منطقه‌ای و جهت‌گیری‌های بین‌المللی آنها شکل می‌گیرد. در این وضعیت دو موضوع از اهمیت زیادی در روابط آنها برخوردار است. موضوع اول مربوط به مسائل مرزی، فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر از مرزهای مشترک است. در حالی که ایران انتظار دارد پاکستان با جدیت بیشتری با گروه‌های تروریستی در این منطقه برخورد کند، از نظر اسلام آباد مرزهای ایران اولویت اصلی را ندارد. دغدغه اصلی رهبران این کشور مرزهای افغانستان و منطقه کشمیر است. موضوع دوم به بحث تنش میان ایران و عربستان مربوط می‌شود. عمران خان مایل است اگر بتواند برای کاهش تنش مذکور، میان دو کشور میانجیگری کند.

عدم پابندی دولت پاکستان در مبارزه با فعالیت‌هایی که گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده، در زمینه‌ی قاچاق و ترانزیت مواد مخدر دارند، تهدیدهای قابل توجهی را متوجه امنیت افراد نظامی و عموم مردم ایران کرده است. بی‌توجهی‌های دولت پاکستان به مساله تأمین امنیت مرزهای مشترک با ایران موجب رفت‌وآمد تروریست‌ها در مناطق مرزی شرقی و ناامنی گسترده این مرز برای ایران گردیده است.

راهکارهای نزدیکی دو کشور ایران و پاکستان عبارت است از:

- عضویت در گروه‌بندی‌های اقتصادی و سیاسی (اکو، شانگهای و کنفرانس کشورهای اسلامی)
- تنش زدایی با عربستان با توجه به روابط سعودی پاکستان
- رادیکالیسم بلوچ بیش از آنکه منشأ اجتماعی - فرهنگی داشته باشد، بنیان اقتصادی و معیشتی دارد که لازم است که سیاست‌گذاری‌های اساسی در جهت رفع این مسائل انجام پذیرد.
- اعمال تروریستی در مرزها را می‌توان نوعی حمله مسلحانه به شمار آورد. در این شرایط «منشور ملل متحد با منع توسل به زور حق دفاع از خود را برای دولت‌ها می‌شناسد، بنابراین حق دفاع نظامی برای ایران در مرزهای شرقی با پاکستان در دفاع از خود محفوظ است.
- حمایت ایران از حضور نظامیان در عرصه سیاست پاکستان و همکاری‌های نظامی و امنیتی هر چه بیشتر در جهت تأمین امنیت دوجانبه ضروری است.
- احداث و تکمیل خط لوله گاز دوستی

افزایش بازارچه های مرزی می تواند گام موثری برای ارتقا تبادلات تجاری ایران و پاکستان باشد و رونق و توسعه را نیز به مرز نشینان هدیه دهد. اما ایران می تواند، تحریم را ابزاری برای گسترش روابط با پاکستان قرار دهد.

در سطح سیاسی نیز اگر دو کشور درک متقابلی از اهداف و الزامات سیاسی یکدیگر داشته باشند، قطعاً همکاری سیاسی بهتری خواهند داشت. بایستی پذیرفت که هر دو کشور دیدگاه سیاسی خاص خود را نسبت به کشورها دارند. مثلاً ایران و عربستان سعودی در رقابت هستند، اما پاکستان با عربستان سعودی مشکلی ندارد و ایران بایستی این مورد را بپذیرد.

در بخش امنیتی نیز پیشنهاداتی وجود دارد که اگر از جانب هر دو طرف عملیاتی شود، بنابراین روابط نظامی نیز گسترش خواهد یافت. علاوه بر اینکه پاکستان امکانات آموزشی نظامی در اختیار دارد، مخصوصاً در بخش هوایی که ایران می تواند از آن استفاده کند و همچنین ایران نیز دارای امکانات و تکنولوژی در زمینه های نظامی است که می تواند مکمل پاکستان باشد تا همکاری گسترده تری را در بخش نظامی شاهد باشیم.

- احمدی، حمید و بیدالله خانی، آرش. (۱۳۹۱). طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالشهای امنیتی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱.
- آراس بولنت و کارکایا پوالت رایبا (۱۳۸۶). از مناقشه تا همکاری؛ غیر امنیتی کردن روابط ترکیه با ایران و سوریه، معاومه ظفرمند، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۲۳، پاییز.
- بابا پورگل افشانی، محمد مهدی، (۱۳۸۲). تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران ریشه‌ها و پی‌آمدها، مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه).
- باقری، اسماعیل، (۱۳۸۶). «افغانستان و خیزش دوباره ی طالبان»، فصلنامه ی مطالعات منطقه ای جهان اسلام، شماره ۲۹، خرداد.
- برزگر، کیهان و زهرا توکلی، (۱۳۹۰). راهبرد باراک اوباما در افغانستان: آثار آن برای منافع و امنیت ملی ایران، مجله مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۵، تابستان.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار.
- بوزان، بری؛ ویور، اولی و جاپ دووید (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهاتاچارجی، دهروبایوتی، (۱۳۹۶). پاکستان و ایران؛ پویایی‌ها و چالش‌های متغیر. عصر دیپلماسی.
- بهرامی مقدم، سجاد، (۱۳۹۵). پیامدهای حضور و نفوذ چین در بندر گوادر. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- پهلوانی، مهرداد، (۱۳۹۱). رویکرد بازیگران مؤثر در افغانستان؛ چالشی در برابر مذاکرات صلح با طالبان، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۰۲، پاییز.
- پورخسروانی، انیس. (۱۳۸۵). «همکاری ایران و پاکستان در زمینه امنیت انسانی: موانع و راهکارها»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات اوای نور.
- جوادی ارجمند، محمدجواد و آرش بیدالله‌خانی، (۱۳۹۲). تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳۹۲.
- حقیناه، جعفر، (۱۳۷۷). قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ی مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
- خانلرخانی، محمدحسین، (۱۳۹۰). روابط رو به تنزل امریکا و پاکستان: نزدیکی تاکتیکی و تضاد استراتژیک، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- خجسته، رحیم، (۱۳۹۷). اسلام؛ عامل مهم در چهار دهه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۲۸۵۵۰۳.

- درویش، فرهاد (۱۳۷۶). تأملی نظری بر امنیت ملی : تهدیدها و رهیافتها، تهران : انتشارات دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دوشوکی، عبدالستار، احتمال تجزیه سوریه، عراق، افغانستان و پاکستان و عواقب آن برای ایران، فعالین بلوچ، در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۷، به آدرس اینترنتی: <http://balochcampaign.com/index.php/articels/item/1454>
- رفیع، حسین، (۱۳۹۴). تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۲.
- رواء، الیویه. (۱۳۷۹). افغانستان، از جهاد تا جنگهای داخلی، ترجمه علی عالمیکرمانی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شفیع، نوذر و قلیچخان، غلامرضا، (۱۳۸۹). تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان، فصلنامه ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص ۳۳-۱.
- طهرانی، زهرا، (۱۳۹۸). پاکستان؛ سرزمین فرصت‌های پایان‌ناپذیر، گفت‌وگو با رایزن بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان، قابل دسترسی در: <https://www.smtnews.ir/trade/36214>
- عارفی، محمداکرم، (۱۳۸۲). جنبشهای اسلامی پاکستان، بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵) بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- فرهادیان، محمدحسین، (۱۳۹۸). ایران و پاکستان؛ فرصتی برای دور زدن تحریم‌ها، اندیشکده راهبردی تبیین، شناسه خبر ۳۲۱۷۵.
- کوزه گر کالجی، ولی، (۱۳۹۰). فراز و نشیب‌های روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری، پژوهشنامه پاکستان: چالش‌های داخلی و سیاست خارجی، مرداد.
- محمدی، حسین، (۱۳۹۷). نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک در روابط ایران و پاکستان، خبرگزاری تسنیم.
- محمدی، حمیدرضا و غنجی، محمد، (۱۳۸۱). چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا، فصلنامه ی ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۱، صص ۹۰-۱۲۱.
- مین الدینی، میلاد، (۱۳۹۷). سیاست خارجی پاکستان تحت رهبری عمران خان، اندیشکده راهبردی تبیین، شناسه خبر: ۲۷۳۹۸.
- نصری، قدیر (۱۳۸۳). بافتار منطقه ای امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.
- واعظی، محمود، (۱۳۹۰). ایران و تهدیدات ناشی از بیثباتی در افغانستان و پاکستان، مجله ی کانون های بحران در آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک
- Aman, fateme, (2018). Regional Rivalries Threaten Iran-Pakistan Relations, *Atlantic Council's South Asia Center*.
- Balzaq.T. (2005). *The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context, European journal of International Relations, vol. 11.No.2.*
- KUMAR, SUMITA, (2019), PAKISTAN'S FOREIGN POLICY: TRENDS AND CHALLENGES, nstitute for Defence Studies and Analyses No.1, Development .
- Malik, Yaser , (2012), Strategic Importance of Gwadar Port.

- Muhammad Muzaffar*Zahid Yaseen†Uroosa Ishfaq, (2016). Pakistan's Foreign Policy: Initial Perspectives and Stages, GlobalRegional Review (GRR) URL: [http://dx.doi.org/10.31703/grr.2016\(I-I\).05](http://dx.doi.org/10.31703/grr.2016(I-I).05).
- Sial, S. 2014. "The China-Pakistan Economic Corridor: an assessment of potential threats and constraints." Conflict and Peace Studies, 6(2): 11-40.
- Waever, O. (1995); "Securitization and Desecuritization" in Lipshutz (ed); On Security, New York: Columbia University Press.
- Zambelis, Chris. Violence and Rebellion in Iranian Balochistan. 2006. <http://www.jamestown.org/programs/gta/single/?tx>.